

## کلیسا و بازگشت مسیح

درس ۱۰: ملکوت خدا

دکتر آر. سی. اسپرول

یادمه وقتی پسر بچه بودم، هر از گاهی اصطلاحات عجیبی رو می شنیدم. یک نفر به یک سازه یا ساختمان بزرگ و عظیم نگاه می کرد و می گفت: "این ساختمان تا اومدن ملکوت باقی می مونه." یا "این جنگ تا اومدن ملکوت باقی می مونه." من به عنوان بچه، مطمئن نبودم این اصطلاح چه مفهومی داشت.

نمی دونستم "اومدن ملکوت" به چی اشاره می کنه؛ و بعد، البته، دعای ربانی رو یاد گرفتم. و دعای ربانی اینطور شروع میشه: "ای پدر ما که در آسمانی"، اولین درخواست در دعای ربانی اینه که نام خدا تکریم و تقدیس بشه- "نام تو مقدس باد"، و بعد بلافاصله به طرف چی میره؟ "ملکوت تو بیاید، اراده ی تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود."

حالا، این نشون میده که ملکوت خدا به وضوح در آسمان آشکار میشه و حاضره. اراده ی خدا هر لحظه در آسمان انجام میشه. فرشتگانی که تخت خدا رو احاطه کردند و مقدسینی که به آسمان رفتند و در حضور او هستند، ناطاعتی و گناه نمی کنند.

هر چی خدا اعلام می کنه، هر چی اراده می کنه، توسط کسانی که در حضورش هستند، انجام میشه. اما الان در این دنیا، اینطور نیست؛ و من در گذشته گفتم که به نظرم یک همبستگی بین این دستوراتی که عیسی میده هست، او با این جمله شروع می کنه: "نام تو مقدس باد"، چون فکر نمی کنم ملکوت خدا بر زمین بیاد و اراده ی خدا انجام بشه، مگر اینکه یا تا زمانی که قوم نام خدا رو مقدس بدونند.

اما به هر حال، این باید اولویت دعای قوم خدا باشه، که برای اومدن ملکوت دعا کنیم. خُب، این بلافاصله این سؤال رو ایجاد می کنه: آیا ملکوتی که برایش دعا می کنیم، چیزیه که تا آینده ی دور ظاهر نمیشه، یا میشه گفت، ظهور این ملکوت آغاز و آشکار شده؟ و در جامعه مذهبی، مناظره ی شدیدی در این مورد هست.

اول از همه، وقتی به مفهوم ملکوت خدا نگاه می کنیم، متوجه میشیم که این مفهوم در کتاب مقدس از ارزش مهمی برخورداره. جان برایت، محقق و باستان شناس بزرگ عهدعتیق و همکار ویلیام فاکس ول آلبرایت، در کتابش: ملکوت خدا، گفت موضوع وحدت بخشی که که کل کتاب مقدس رو از عهدعتیق گرفته تا عهدجدید به هم متصل می کنه موضوع ملکوت خداست، چون در اوایل عهدعتیق در پیغام نبوتی، وعده ی عالمی در آینده داده شد که حاکمیت مطلق خدا اونقدر آشکار و مورد اطاعته که ملکوت خدا، جهانی و ابدی خواهد بود.

حالا، این در مراحل اولیه‌ی عهدعتیق، انکار نمی‌کنه که خدا اکنون هم، با حاکمیت مطلقش بر کل جهان سلطنت می‌کنه. از یک نظر، خداوند خدای قادر مطلق، از لحظه‌ی خلقت، سلطنت می‌کنه. او قطعاً خداوند همه چیزه؛ اما اینجا وقتی درباره‌ی تسلیم داوطلبانه‌ی مخلوقات به خداوندی خدا صحبت می‌کنیم، این ایده درباره‌ی ملکوت خدا مورد نظر نیست، چون ملکوت این دنیا که خدا از لحظه‌ی خلقت، خداوند اونه، ملکوتی هست که اساساً علیه پادشاهش سرکشی می‌کنه.

پس وعده‌ی ملکوت در عهدعتیق، این وعده بود که جهانی و ابدی خواهد بود. وقتی میگم جهانی، نه اینکه همه ایماندار خواهند بود یا همه فدیہ میشن، بلکه همه اطاعت می‌کنند. بعضی مشتاقانه اطاعت می‌کنند و زانوشون با سرسپردگی و تعهد واقعی و خالص خم میشه، و کسانی که دشمن بودند، زانوشون با عصای آهنی شکسته میشه و به هر حال زانو می‌زنند؛ نه به خاطر این که می‌خوان، بلکه چون مجبور میشن که تسلیم بشن. پس این وعده از طریق کتاب مقدس منتقل شد که روزی میاد که مردم همه‌ی ملتها در برابر پادشاه مسح شده‌ی خدا تسلیم میشن، و این تماماً به وعده‌ی مسیحای آینده مربوط بود.

مسیحا، ملکوت خدا رو به زمین میاره. او پادشاه مسح شده‌ی خداوند خواهد بود، و اینجا درباره‌ی ملکوت لوگوس، شخص دوم تثلیث صحبت نمی‌کنیم، بلکه درباره‌ی ملکوت مسیح صحبت می‌کنیم؛ که ملکوت مسیحای زمینی که تجسم لوگوس الهی هست.

حالا، مهمه که در عهدجدید، گاهی اوقات نویسندگان درباره‌ی ملکوت خدا صحبت می‌کنند و گاهی به ملکوت آسمان اشاره می‌کنند، و عمدتاً عبارت "ملکوت آسمان" در انجیل متی یافت میشه، درحالی که دیگر نویسندگان انجیل، مخصوصاً لوقا، به ملکوت، به عنوان ملکوت خدا اشاره می‌کنند.

و بعضی استدلال کردند که اینها درباره‌ی دو چیز متفاوت صحبت می‌کنند، یکی سلطنت خداست و دیگری سلطنت آسمانیست. اما اگه اینجا بین محققان عهدجدید اتفاق نظری باشه، اون اینه که تنها فرقدشون، تفاوت در زبانه، چون متی به عنوان یهودی برای شنوندگان یهودی می‌نوشت که خیلی از نام مقدس خدا محافظت می‌کردند و از چیزی استفاده می‌کردند که "پریفریسیس" نامیده میشد، و "پریفریسیس"، تلاش برای استفاده از اصطلاح جایگزین برای یک اصطلاح دیگه بود، به جای این که اون اصطلاح رو مستقیماً بگن.

"پریفریسیس"، پی، ای، آر، آی، پی، اچ، آر، ای، اس، آی و اس، مترادف با بیان غیرمستقیم هست. "سیرکوم"، می‌دونیم که معنیش چیه. "سیرکوم" یعنی دور زدن؛ "پری" هم پیشوندی برای پریسکوپ هست که دور میزنه، پس "پریفریسیس" یعنی پیرامون مفهوم می‌چرخید، اما هرگز دقیقاً بهش اشاره نمی‌کنید.

پس در عهدعتیق، یهودیان، به جای این که با شجاعت درباره‌ی یهوه، خدای خود صحبت کنند، از عنوان خداوند یا ادونای به عنوان جایگزین یا ارجاع غیر مستقیم برای خدا استفاده می‌کردند. حالا، همین اتفاق برای این مفهوم

ملکوت میفته. ملکوت آسمان، میشه گفت صرفاً یک تعبیر یهودی هست، یا "پریفریسیس" (نباید بگم "پارافریز"، چون این "پی، ای، آر، ای" هست؛ اون "پی، ای، آر، آی" که درباره‌ی اون صحبت می‌کنم)، جایگزینی یهودی هست برای کلمه‌ی "خدا"؛ اما همون مفهوم رو داره.

اما مباحثه‌ی واقعی مربوط به زمان ملکوت خدا و ماهیتشه. بعضی معتقدند ملکوت خدا که کتاب مقدس درباره‌ی اون صحبت می‌کنه، کاملاً در آینده هست. در واقع، می‌گم این گزارش اکثریت مسیحیان معترف انجیلی در پایان قرن بیستم هست. من شخصاً معتقدم که هیچ پایه‌ی کتاب مقدسی برای این نیست، و این مفهوم، کلیسا رو از تعالیم بسیار مهم درباره‌ی پادشاه ملکوت خدا محروم می‌کنه، تعالیمی که به وضوح در عهدجدید بیان شدند، و در واقع، این یکی از اون موقعیت‌هایی هست که باید عقب برم با شگفت زدگی از این که هر کسی می‌تونه نتیجه‌گیری کنه که مفهوم کتاب مقدسی ملکوت خدا، با وجود شواهد چند جانبه‌ی داده‌های کتاب مقدسی، کاملاً و منحصرأ اون رو در آینده می‌ذاره.

مثلاً وقتی عهدجدید آغاز میشه، با اعلام تولد یحیی تعمید دهنده آغاز میشه و در انجیل مرقس، ظهور یحیی تعمید دهنده با این پیغام ساده اوست؛ چی؟ "توبه کنید، زیرا ملکوت خدا نزدیک است."

و یک چارچوب زمانی درباره یحیی تعیین شده و کل اهمیت ظهور یحیی تعمید دهنده، بر اساس عهدعتیق، اینه که طبق تفسیر عیسی، نبی عهدعتیق درباره‌ی پیشرو پادشاه آینده صحبت کرد، کسی که میاد تا شاهره رو برای اومدن خداوند آماده کنه و قوم رو به توبه دعوت کنه. و انبیای عهدعتیق درباره‌ی ملکوت خدا صحبت می‌کردند که یک روز در آینده‌ی مبهم میومد، اما وقتی یحیی میاد، میگه: "یک لحظه صبر کنید. مردم! الان وقت توبه هست."

چرا؟ "چون ملکوت خدا نزدیک است"، و مرجع چارچوب زمانی برای این عبارت "نزدیک"، در این زبان یعنی "داره در میزنه؛ در حال ورود ناگهانی به صحنه هست"، و اگه پیغام یحیی تعمید دهنده رو بیشتر بررسی کنیم، می‌بینیم که چقدر هشدارش درباره‌ی شرایط بحرانی این لحظه، فوری هست، وقتی میگه: "تیشه بر ریشه‌ی درختان نهاده شده است."

این مثل جنگلبانی در مغازه نیست که تبرش رو تیز می‌کنه و به درختانی فکر می‌کنه که می‌خواد امروز بعد از ظهر قطع کنه، یا حتی به زمین رفته و شروع کرده به قطع کردن پوسته‌ی بیرونی؛ بلکه او به مرکز درخت نفوذ کرده، جایی که ضربه‌ی بیشتر تبر، درخت رو زمین می‌ندازه.

"تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است. غربال او در دستش است"، و میگه: "زمان، رو به اتمامه و شما آماده نیستید"، و از مردم دعوت کرد که تسلیم مراسم پاکسازی تعمید بشن تا بتونن برای اومدن مسیحا و ملکوتش آماده بشن. بعد مسیح، اندکی بعد، وارد صحنه میشه و همون پیغام رو تصدیق می‌کنه و به مردم میگه: "توبه

کنید، زیرا ملکوت خدا نزدیک است." و بعد تمایزی در عهد جدید، بین رفتار یحیی تعمید دهنده و رفتار عیسی هست.

یحیی تعمید دهنده با یک نوع تجلی پرهیزکارانه ظاهر میشه که کاملاً با انکار نفس زندگی می‌کنه. او با ملخ و عسل وحشی زندگی می‌کنه و مثل انبیای عهدعتیق لباس میپوشه، از بیابان میاد و الی آخر. عیسی به شکم بارگی و نوشیدن شراب متهم شد. او به میهمانی‌ها میره.

به جشن عروسی در قانا میره. در جشن ضیافت با خراجگیران غذا می‌خوره و بعضی از منتقدینش میگن: "او مثل یحیی تعمید دهنده نیست. یحیی تعمید دهنده، انکار نفس داشت. عیسی خوش گذرونی می‌کنه. چرا شاگردانش همیشه مثل شاگردان یحیی روزه نمی‌گیرند؟" و عیسی چی میگه؟ "وقتی داماد غایبه، روزه می‌گیرید، اما وقتی داماد میاد، وقت جشن گرفته."

و بعد از اونجا ادامه داده و به مردم میگه ملکوت خدا؛ من درنگ می‌کنم. یک ترجمه میگه، عیسی میگه: "ملکوت خدا در درون شما است." با این آشنایی؛ مطمئنم اینو شنیدید. من شخصاً فکر می‌کنم این ترجمه‌ی ضعیفی هست، چون این ایده رو پیشنهاد می‌کنه که ملکوت خدا در دل مردم اتفاق می‌فته، و وجود واقعی، عینی و ملموس نداره.

خُب، کلمه‌ای که اینجا در این متن بکار رفته، معمولاً به جای "در درون"، با کلمه‌ی انگلیسی "در میان" ترجمه شده. پس به نظرم عیسی می‌گفت: "ملکوت خدا در میان شما است"، یعنی "ملکوت خدا اکنون [که من صحبت می‌کنم] در میان شما است." چرا اینو می‌گفت؟ خُب، چون پادشاه اونجا بود.

پادشاه در میان مردم بود؛ و بعداً میگه: "لیکن هرگاه به انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، [پس می‌دونید چیه؟] هرآینه ملکوت خدا ناگهان بر شما آمده است." پس اول، یحیی رو با پیغام هشدارش درباره‌ی نزدیکی بنیادین اومدن ملکوت دارید.

حالا عیسی میاد، حضور ملکوت رو اعلام می‌کنه و بعد، البته، همونطور که قبلاً در درس‌مون درباره‌ی مسیح شناسی دیدیم، اوج عمل فدیه دهنده‌ی عیسی، در صعودشه، که این دنیا رو ترک می‌کنه تا به تاجگذاریش بره، جایی که خدا او رو پادشاه اعلام می‌کنه.

حالا، به سؤال آخر برمی‌گردیم که شاگردان قبل از عزیمت عیسی از این دنیا، از او پرسیدند. و من اغلب به دانشجویهای دانشگاه الهیات گفتم "اگه در یک اتاق با عیسی بودید؛ فرصت داشتید یک سؤال از او بپرسید، چی می‌پرسیدید؟" سؤال جالبیه که بهش فکر کنید.

خُب، به جایی رسید که شاگردان عیسی، در طول خدمت زمینی‌اش، از او سؤالات زیادی می‌پرسیدند. آنها یک فرصت دیگه داشتند. اون چی بود؟ وقتی اونجا ایستاده بود و آماده‌ی عزیمت در کوه صعود بود، در کوه زیتون، آنها به عیسی گفتند: "خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟" آنها در این انتظار نفس‌گیر بودند که عیسی کاری کنه. او پادشاهه؛ ملکوت در میان ماست.

اونها میگن: "حالا، عیسی، این پادشاهی جهانی و ابدی رو که منتظرش بودیم که مسیحا بیاره، به ما بده. رومی‌ها رو بیرون کن و بیا اونو برپا کنیم. الان این کار رو می‌کنی؟ ما اینجا هستیم؛ منتظریم. جمع شدیم. در طول خدمت، وفادار بودیم." و عیسی چی میگه: "چند بار باید به شما بگم؟ من هرگز چنین پادشاهی‌ای رو برپا نمی‌کنم." نه، این رو نگفت. او با کلمات بسیاری گفت: "[این به شما ربطی نداره.] از شما نیست که زمان‌ها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان."

او مأموریت اساسی کلیسا رو اون لحظه در پاسخ مستقیم به سؤالشون درباره‌ی ملکوت داد. کلون فهمید که عیسی می‌گفت: عیسی به این افراد می‌گفت: "من میرم. من به تاجگذاری میرم. پادشاه خواهیم بود، اما پادشاهی من هنوز بر این عالم، برای همه‌ی افراد این دنیا قابل رؤیت نخواهد بود.

چشم انسان‌ها نسبت به پادشاهی من نابینا خواهد بود، اما من به شما این تکلیف رو میدم که پادشاهی نادیدنی من رو دیدنی کنید. شما باید شهادت بدید، شاهد ملکوت من باشید، "پس تکلیف اساسی کلیسا اینه که شاهد ملکوت خدا تا اون حدی که الان وجود داره باشه؛ اینکه مسیح خداوند تاجگذاری شده.

پادشاه ما الان سلطنت می‌کنه، و اگه ما ملکوت خدا رو کاملاً به آینده اختصاص بدیم، یکی از مهمترین نکات عهدجدید رو از دست میدیم. و طوری عمل می‌کنیم که انگار هنوز در روزهای عهدعتیق زندگی می‌کنیم و امیدواریم یک روز، سرور ما میاد. سرور ما اومده. او ملکوت خدا رو آغاز کرده، اما چیزی که در آینده هست، کمال نهایی اونه.

حالا، فرق بین این دو رو می‌بینید؟ این که بگیم: "این شروع شده، اما تکمیل نشده،" و بگیم: "هنوز شروع نشده، همه‌ی اینها در آینده میاد؟" حالا، اگه دوباره به تعلیم عیسی در عهدجدید نگاه کنیم، می‌دونیم یکی از طریق‌های مورد علاقه‌ی او برای برقراری ارتباط آموزشی، استفاده از مَثَل بود، و اگه فقط مَثَل‌های عیسی رو در عهدجدید مطالعه کنید، شما متوجه میشید که این اولین تم هست نه این که فقط همین تم باشه اما این اولین تمه، این که عیسی در مَثَل‌ها، درباره‌ی ملکوت خدا تعلیم میده.

چه تعدادی از مثل‌ها با این کلمات شروع میشه: "ملکوت خدا مانند این است" یا "مانند آن است"، و یکی از مفاهیمی که در تعلیم مثل‌های عیسی میاد، ویژگی تدریجی ملکوتیه، اینکه ملکوت طبق کلام عیسی، از چیز خیلی کوچکی شروع میشه، اما بعد به مرور زمان گسترش می‌یابه، بزرگ میشه، رشد می‌کنه تا همه چیز رو در بر بگیره. بعضی از مثال‌ها یا قیاس‌هایی که استفاده می‌کنه، چیه؟ "ملکوت خدا مثل دانه خردل است"، کوچکترین دانه. شما اونو می‌کارید و از این دانه‌ی کوچک، یک درخت بزرگ رشد می‌کنه. "ملکوت خدا مانند زنی با خمیرمایه‌اش است"، او خمیرمایه‌ی کمی رو میریزه و خمیر رشد کرده، گسترش یافته و بزرگ میشه تا همه‌ی این فضا رو پر کنه.

در عهدعتیق گفته شده که ملکوت مسیحایی مثل سنگی هست که خودش از کوه جدا شده و به کوه بزرگی تبدیل میشه، پس عیسی درباره‌ی این رشد تدریجی صحبت می‌کنه و اینکه ما به عنوان شاگردانش در این دنیا، باید در پی این چیزها باشیم. دوباره، اولویت زندگی مسیحی، بر اساس کلام عیسی، چیه؟ "لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد."

اگه اینجا با سرعت زیاد حرکت کنیم، چیزی که می‌تونیم ازش چشم پوشی کنیم، اینه که عیسی میگه: "اول بطلبید"، کلمه‌ای که اینجا استفاده می‌کنه، کلمه‌ی یونانی "پروتوس" هست و فقط به معنای اول، در یک ردیف یا قدم اول در رویداد تاریخی نیست، بلکه ارزش و نیروی اول رو از لحاظ اولویت بیان می‌کنه، اول از لحاظ اهمیت.

آیا می‌خواید به عنوان مسیحی، اولویت‌هاتون درست باشه؟ می‌خواید بدونید عیسی به قومش چی میگه؟ "اولین چیز، مهمترین چیزی که می‌خوام به دنبالش باشید، ملکوت خداست"، و این برای من شگفت‌انگیزه که ما چقدر زمان کمی رو به این مفهوم اختصاص میدیم، درحالی که این در طول خدمت زمینی عیسی، دائماً بر لب‌های او بود "ملکوت خدا مانند این است."

آن را بطلبید. بیابید. مانند مرواریدی گران‌بهاست، پس حتی الان، وقتی کسانی که قوم مسیح هستند، کسانی که به واقعیت ملکوت او پی بردند، سرسپردگی‌شون به مسیح رو به عنوان پادشاهشون ابراز کردند، مسیحی که اکنون به عنوان بره‌ای که سزاوار دریافت ملکوت خداست، سلطنت می‌کنه، پس این ملکوت آغاز شده و در حال رشد و ساخته میشه، اما تا زمان اومدن مسیح در پایان تاریخ بشر و زیر پا گذاشتن همه‌ی دشمنانش و مغلوب کردن همه‌ی پادشاهی‌ها، به کمال نمی‌رسه، بعد ملکوتی که الان نادیدنی هست، دیدنی خواهد شد.

اما دوباره، نکته‌ی کلویین که گفت تکلیف کلیسای دیدنی اینه که ملکوت نادیدنی رو دیدنی کنه، به این معنا نیست که چون ملکوت، نادیدنی هست، بنابراین غیر واقعیه. این خیلی واقعیه، بعد کمال نهایی که بعداً بهش خواهیم پرداخت، شامل اومدن اورشلیم جدید، آسمان جدید، زمین جدید، بازسازی کامل نظام مخلوق که ما می‌شناسیم، جایی که مسیح ملکوتش رو در جلال و تجلی کامل برپا می‌کنه و این ملکوت تا ابد ادامه خواهد داشت.